

## تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

\*\*\*\*\*

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

دوازدهم محرم ۱۴۴۴ مطابق با ۱۴۰۱/۵/۱۹

شهادت جانسوز زین العابدین (علیه السلام)

را به پیشگاه پیامبر اسلام و اهل بیت طاهرينش به ویژه ولی عصر و حجت حق امام زمان (سلام الله عليهم اجمعين) و همه دوستداران و ارادتمندان به مکتب رسالت و ولایت تعزیت و تسلیت عرض می‌کنم و معرفت و پیروی راه این امام همام را از خدای مَنان مسئلت دارم.

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَيْنَ الْمُتَهَجِّدِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ الْعَارِفِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَصِيَّ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَازِنَ وَصَايَا الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ضَوْءَ الْمُسْتَوْحِشِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ الْمُجْتَهِدِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

در چهل سال گذشته اشک من رگبار بود  
ابر باران زای چشمم روز و شب پربار بود  
از گلویم آب خوش پایین نرفته هیچ وقت  
کامم از خشکی داغ تشنگی سرشار بود

قال مولانا السَّجَّاد (عليه الصلاة والسلام): «وَأَجْعَلْ قَلْبِي وَائِقًا بِمَا عِنْدَكَ، وَ هَمِّي مُسْتَفْرَغًا لِمَا هُوَ لَكَ، وَ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَسْتَعْمَلُ بِهِ خَالِصَتَكَ، وَ أَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ، وَ اجْمَعْ لِي الْغِنَى وَ الْعِفَافَ وَ الدَّعَةَ وَ الْمَعَاوَةَ وَ الصَّحَّةَ وَ السَّعَةَ وَ الطَّمَأْنِينَةَ وَ الْعَافِيَةَ. - پروردگارا ... دلم را به رحمتت مطمئن کن، و همتم را یکجا به کار خودت متوجه ساز، و مرا به کاری بگمار که عباد خاص خود را به آن می‌گماری، و به هنگام غفلت و پریشانی خردها طاعت خود را با قلبم درآمیز، و توانگری و پاکدامنی و راحت و سلامتی و تندرستی و گشایش در زندگی و آرامش و عافیت را برایم فراهم نما،  
«(دعای ۴۷ صحیفه سجادیه)

### موضوع تدبر :

چه تعالیمی در ادعیه صحیفه سجادیه از حضرت سجّاد (سلام الله علیه) برای پیروانش به ارمغان مانده و چگونه باید از آنها در سازندگی خود و اطرافیان بهره گرفت؟

### پاسخ اجمالی:

در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام دعا، زبان تربیت، آموزش، موعظه و تذکر است. با توجه به فرازهای این دعا می‌توان فهمید که مضمون تربیتی مناجات‌های حضرت زین العابدین (علیه السلام) نشانه‌های قلب سلیم و خواسته‌های آن را نشان می‌دهد و به تبع آن چگونگی به کارگیری صحیح اعضاء و جوارح را در راه اطاعت و بندگی و در نتیجه چگونگی وصول به سعادت دنیا و آخرت را بیان می‌دارد. دعا علاوه بر اینکه مناجات و ارتباط مستقیم با مبدأ هستی است، واژه‌های نورانی آن که از لبهای مبارک ولی خدا حضرت زین العابدین (ع) تراوش نماید، تأثیر عمیقی بر عمق جان انسان های تشنه معرفت می‌گذارد.

تاریخ اسلام نشان می‌دهد عدم توجه به این آموزه‌ها در کلام رسول خدا (ص) چگونه موجب لغزش برخی از یاران پیامبر (ص) در فتنه‌ها گردیده است؛ مثلاً معاذ بن جبل که همواره پاسدار حریم اسلام و پشت سر رسول خدا (ص) بود و افتخارات مهمی را در استقرار نظام اسلامی کسب کرده بود، از حمله افرادی بود که بعد از رحلت آن حضرت پاسداری از حمله‌کنندگان به خانه حضرت زهرا(س) را به عهده گرفت و در مظلومیت امام علی(ع) سهم به‌سزایی داشت. برخی دیگر از یاران پیامبر(ص) هم در فتنه‌های بعدی نتوانستند ایمان خود را حفظ کنند و با ذلت تمام به جمع مخالفین جانشین رسول خدا(ص) پیوستند. طلحه و زبیر از این گروه بودند. آن دو در فتنه‌های متعددی سرافراز شدند؛ اما در قضیه آغاز حکومت علی(ع)، حب ریاست، آنان و همفکرانشان را وادار کرد تا فتنه‌ای به پا کنند که صدمات آن تا به امروز بر پیکر اسلام باقی است.

### پاسخ تفصیلی:

شناخت بسترهای فتنه و انحراف که با زبان دعا ارائه می‌شود(همانند: خانواده و فرزندان، داشتن طاعت و عبادت و علم، حب نفس، نداشتن خلوص نیت، هواپرستی و غرور، خطر ستایشگران، تسلط بر بیت المال و اموال عمومی، و مواجهه با آزمونه‌های جنسی) تأثیر به‌سزایی در نجات افراد از لغزشگاههای فتنه دارد. امام سجاد(ع) به ما می‌آموزد که از خداوند بخواهیم ما را از التماس اهل فسق و گناه دور نگاه دارد؛ «وَذُبْنِي عَنِ التَّمَسِّ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ» [پروردگار!] مرا از دراز کردن دست نیاز به سوی اهل فسق و گناه نگهدار! (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷)

و در فرازی دیگر می‌آموزد که بازیچه و دست‌آویز ستمگران نباشیم: «وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيراً، وَلَا لَهُمْ عَلَيَّ مَحْوَ كِتَابِكَ يَدّاً وَ نَصِيراً» [خداوند!] و مرا پشتیبان ستمگران مگردان و بر نابود کردن [احکام] کتاب خود، کمک ایشان قرار مده! (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷)

ممکن است انسان در اثر جهالت یا کینه و عناد (خواسته یا ناخواسته)، بازیچه نقشه‌های دشمنان نظام اسلامی باشد. امام به ما می‌آموزد به خدا پناه برده از او بخواهیم: «وَلَا تُحِبِّطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ» [پروردگار!] کارهای نیک مرا به سبب معصیت و نافرمانی که [بعداً] با آنها آمیخته می‌شود، تباه مساز! (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷)

«وَلَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْزِضُ لِي مِنْ نَزَغَاتِ فِتْنَتِكَ» و (نیکی هایم را که مخلصانه در خلوت با تو انجام داده‌ام، در فتنه‌ها با وسوسه‌های شیطانی نابود نکن!) (صحیفه سجادیه، دعای ۴۷)

گر بنده کنی ز لطف، آزادی را بهتر که هزار بنده آباد کنی

امام زین‌العابدین (علیه السلام) مانند سایر حجج الهی افزون بر دعا با اخلاق و رفتار عملی این آموزه‌های دینی را به تصویر کشیده است تا برای همگان حجت تمام باشد. از اینرو نه تنها پیروان امامان معصوم‌علیهم السلام به دیده محبت و عشق به آنها می‌نگریسته‌اند؛ بلکه دیده می‌شود دشمنان آن بزرگواران با اعتراف به این حقیقت، بارها زبان به ستایش آنها گشوده به فضایل و مناقب‌شان اعتراف نموده‌اند.

البته معلوم است پیاده شدن این تعالیم نجات بخش در سطح جامعه نیازمند همراهی مردم است؛ ولی هر گاه هم که مردم، آن بزرگواران را همراهی نمی‌کردند، آن بزرگواران به دنبال اهداف الهی خود می‌رفتند و از مردم زمانه خود - که جانب باطل را انتخاب کرده بودند - فاصله می‌گرفتند؛ امام سجاد(ع) به مردمی که می‌گفت «اللَّهُمَّ أَغْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ» خدایا! مرا از این مردم بی‌نیاز کن، فرمود: «بی‌نیازی از مردم، ممکن نیست و انسان در هر صورت در زندگی دنیوی به ارتباط با مردم نیاز دارد؛ بلکه چنین دعا کن: «اللَّهُمَّ أَغْنِنِي عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ» خدایا! مرا از مردم شرور و بدسرشت

بی‌نیاز کن.» (تحف العقول، ص ۲۸۷)

دوستی را هزار کس شاید دشمنی را یکی بود بسیار

از عوامل مهمی که شخصیت والای حضرت زین العابدین علیه‌السلام را در منظر دیگران محبوب ساخته بود آن بود که حضرت، به دلیل خطایی که خدمتکاران مرتکب می‌شدند، آنها را تنبیه نمی‌نمود، اما خطاها و گناهان آنان را در دفتری ثبت می‌کرد و تخلفات هر کس را با نام و موضوع تخلف مشخص می‌کرد. در آخر ماه مبارک رمضان، خدمتگزاران را جمع کرده، در میان آنان می‌ایستاد. آن‌گاه از روی نوشته، تمام خطاها و اشتباهاتشان را که در طول ماه رمضان مرتکب شده بودند، بر ایشان یادآور می‌شد و به تک‌تک آنان می‌فرمود: «فلانی! تو در فلان روز و فلان ساعت تخلفی کردی و من تو را تنبیه نکردم، آیا به یاد می‌آوری؟!» خدمتکار هم می‌گفت: «بلی، ای پسر رسول خدا!» و تا آخرین نفر این مطالب را متذکر می‌شد و آنان به اشتباهات و خطاهای خود اعتراف می‌کردند، آن‌گاه به آنان می‌فرمود: «با صدای بلند به من بگویید که ای علی بن حسین! پروردگارت تمام اعمال و رفتار تو را نوشته است؛ چنان‌که تو اعمال ما را نوشته‌ای. نزد خداوند، نامه اعمالی هست که با تو به حق سخن می‌گوید و هیچ عمل ریز و درشتی را فروگذار نمی‌کند و هر چه انجام داده‌ای، به حساب آورده، تمام اعمال را نزد او حاضر و آماده خواهی یافت؛ همچنان‌که ما اعمال خود را نزد تو آماده و ثبت‌شده دیدیم. پس ما را ببخش همان‌طور که دوست داری خدا تو را ببخشد.

ای علی بن حسین! به یاد آر، آن حقارت و ذلّتی را که فردای قیامت در پیشگاه خدای حکیم و عادل خواهی داشت؛ آن پروردگار عادل و حکیمی که ذره‌ای و کمتر از ذره‌ای به کسی ستم روا نمی‌دارد و اعمال بندگان را همچنان‌که انجام داده‌اند، به آنان عرضه خواهد کرد و حسابگری و گواهی خدا کافی است. پس ببخش و عفو کن تا پادشاه روز قیامت از تو درگذرد؛ چنان‌که خودش در قرآن می‌فرماید: «وَأَلْيَعُفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ-باید ببخشند و عفو کنند. آیا دوست ندارید خداوند شما را بیامرزد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است- نور/۲۲»

در واقع حضرت این کلمات را برای خود و خدمتکارانش تلقین می‌کرد و آنان با هم تکرار می‌کردند و آن‌گاه امام که در میان آنان ایستاده بود، می‌گریست و با لحنی ملتمسانه می‌گفت: «رَبِّ! إِنَّكَ أَمَرْتَنَا أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا فَتَحْنُ قَدْ عَفَوْنَا عَمَّنْ ظَلَمْنَا كَمَا أَمَرْتَ، فَأَعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَى بِذَلِكَ مِنَّا وَمِنَ الْمَأْمُورِينَ- پروردگار! تو به ما فرمودی از ستمکاران خویش درگذریم؛ همان‌گونه که فرمودی، ما از کسانی که به ما ستم کرده‌اند، در گذشتیم، تو هم از ما درگذر که در عفو کردن از ما و از تمام مأموران برتری.» (بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۴)

سپس می‌فرمود: «من شما را عفو کردم، آیا شما هم من و بدرفتاری‌های مرا بخشیدید که فرمانروای بدی برای شما و بنده فرومایه‌ای برای فرمانروای بخشاینده عادل و نیکوکار بوده‌ام؟!» همگی یکصد می‌گفتند: «با اینکه ما از تو جز خوبی ندیده‌ایم، تو را بخشیدیم؛ آن‌گاه به آنان می‌فرمود: «بگویید: خداوند! از علی بن حسین درگذر! همان‌گونه که او از ما درگذشت. او را از آتش جهنم آزاد کن، همان‌گونه که او ما را از بردگی آزاد کرد. آنان دعا می‌کردند و امام چهارم علیه‌السلام آمین می‌گفت و در پایان می‌فرمود: بروید! من همه شما را عفو کردم و آزادتان می‌کنم به این امید که خدا نیز مرا عفو کرده، آزادم کند.» بعد هم آنها که به عنوان غلام و کنیز خریده و به نیت تربیت و آزادی‌شان خریده بود با جوایز بسیار به گونه‌ای که از او به جهت مالی بی‌نیاز شوند در اوّل یا وسط سال در شب عید فطر آزاد می‌نمود. (اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۴۴۶)

به این ترتیب آن بزرگوار، بندگان سیاه را که هیچ‌گونه نیازی به آنان نداشت، می‌خرید و در عرفات بعد از مراسم عرفه، همراه هدایای قابل توجهی آزاد می‌ساخت. حضرت بردگان را نه تنها در بُعد جسمانی، بلکه از افکار و اندیشه‌های خرافی، جهل و غفلت رها می‌ساخت؛ و به عنوان تربیت‌یافتگان مکتب اسلام از ذلّت، غفلت و خرافه‌پرستی به اوج عزّت معنوی و عرفانی می‌رساند و چه بسا

بیچاره‌ترین بردگان عصر آن حضرت بر اثر ارتباط با امام، به عارفان خداجوی و عالمان ربّانی مبدّل می‌شدند؛ از جمله آنها می‌توان سعید بن جبیر، سعید بن مسیب، ابو اسحاق بن عبد الله سبّعی، سالم بن ابی حفصه، شرحبیل بن سعد، عبد الله بن دینار، ابو خالد کابلی، محمد بن شهاب زهري، معروف بن خربوذ مکی، یحیی بن ام طویل، حبابه و البیه و... نام برد. (رجال الشیخ، اصحاب علی بن الحسین علیه السلام، شیخ طوسی)

ابن شهر آشوب می‌گوید که امام زین العابدین علیه السلام نزد عمر بن عبد العزیز (هفتمین خلیفه اموی) حضور داشت. هنگامی که آن حضرت از نزد او بلند شد و بیرون رفت، عمر بن عبد العزیز رو به اطرافیان‌ش کرد و گفت: «امروز، بهترین و شریف‌ترین مردم به نظر شما کیست؟» همه گفتند: «شما ای خلیفه!» او گفت: «نه، هرگز! بهترین و شریف‌ترین مردم، همین فردی است که الآن از حضور ما بیرون رفت. او چنان قلبها را به خود متمایل ساخته است که همه دوست دارند مثل او باشند؛ اما او هیچ‌گاه آرزو نمی‌کند که به جای یکی از ماها باشد.» (مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۶۷)

حضرت علی بن حسین علیه السلام وقتی که تاریکی شب، همه‌جا را فرا می‌گرفت و چشمان مردم به خواب می‌رفت، نان و آذوقه را که فراهم کرده بود، برمی‌داشت به منزل محرومان و بینوایان می‌رساند؛ آنهم در حالی که صورتش پوشیده بود.

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن به دمی یا درمی، یا قدمی، یا قلمی

حضرت باقر علیه السلام فرمود: «كَانَ عَلِيُّ ابْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَحْمِلُ جِرَابَ الْخُبْزِ عَلَى ظَهْرِهِ بِاللَّيْلِ فَيَتَصَدَّقُ - عَلِيٌّ بْنُ حُسَيْنٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَيْسَةَ هَيَّانَ رَأَى فِي شَبَاحِهَا دُوشَ مَيَّ كَشَيْدَ وَ [بِهَ فَقَرَا وَ نِيَا زَمَنَانَ] تَصَدَّقَ مَيَّ دَادَ.» (بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۸۸)

در واقع به پیروانش می‌آموخت: «إِنَّ صَدَقَةَ السَّرِّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ - صَدَقَةُ پَنَهَانِي، خَشَمَ خَدَاوَنَ رَأَى مَيَّ نَشَانَدَ.» (مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۵۳)

محمد بن اسحاق می‌گوید: «عده‌ای از نیازمندان مدینه عادت کرده بودند در ساعات معینی از شب، مرد ناشناسی به کمک آنان بیاید. آنان، او را به عنوان صاحب انبان به همدیگر معرفی می‌کردند و تا روز شهادت امام زین العابدین علیه السلام وی را نمی‌شناختند.» (مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۵۳)

تا توانی رفع غم از خاطر غمناک کن در جهان گریاندن آسان است، اشکی پاک کن

**شهادت زین العابدین (علیه السلام):**

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ.

قریب به چهل سال کارش همه گریه و ناله بود ... جوان می‌دید گریه می‌کرد .. طفل شیرخواره می‌دید گریه می‌کرد .. غذا می‌آوردن میل کنه ، تا چشمش به آن می‌افتاد روضه می‌خواند .. قَتَلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ جَائِعاً .. آب می‌آوردن بنوشه ، گریه می‌کرد .. صدا می‌زد پسر رسول خدا رو با لب تشنه کشتن .. ای حسین جانم... امان از اون لحظه ای که می‌دید می‌خوان گوسفندی رو ذبح کنن .. حسینیا .. با گریه سوال می‌کرد ، آیا آبش دادید یا نه؟! می‌گفتن آقا ما مسلمانیم .. آب ندیم ذبح نمی‌کنیم .. گریه و ناله اش بیشتر می‌شد .. می‌فرمود کربلا پدر منو با لب تشنه کشتن ... حسین ... سوال کردن آقا تو این سفر به شما کجا خیلی سخت گذشت!! سه مرتبه فرمود الشام .. الشام .. اونجا دیگه هم رنج اسارت بود و خاکستر به سر و روشن ریختن .. هم خارجی خطابشون کردن .. مقابلشون همه مزمار و نی و چنگ و دف و تار زدن .. بانگ شادی سر هر کوچه و بازار زدن .. وای از شام، درد بی التیام ، وای از شام ... دختر فاطمه اذیت شد. از چی؟ تازیانه و کتک؟ نه از نگاه حرام وای از شام... امام سجاد فرمود سهل ساعدی ، یه

خورده پول داری؟ ... آقا پول برا چی؟ گفت سهل ، بدم به اون نیزه دارها ... اینقدر به بهونه سرها ،  
تو این مسیر خانواده مو نگاه نکن... جلو برن یا عقب ... مظلوم یا حسین... لا حول ولا قوة الا بالله  
العلی العظیم

|                                |                         |
|--------------------------------|-------------------------|
| قسمت این بود بال و پر نرنی     | مرد بیمار خیمه ها باشی  |
| حکمت این بود روی نی نروی       | راوی رنج نینوا باشی     |
| سربریدند پیش چشمانت            | دشتی از لاله و اقاقی را |
| پس گرفتید از یزید آخر          | علم با شکوه ساقی را؟    |
| السلام علیکم یا اهل بیت النبوة |                         |